

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 375

Date of filing: 22 JUN 84

\*\* AWARD - Type of Award INTERIM  
 - Date of Award 7 JUN 84  
 \_\_\_\_\_ pages in English 5 pages in Farsi

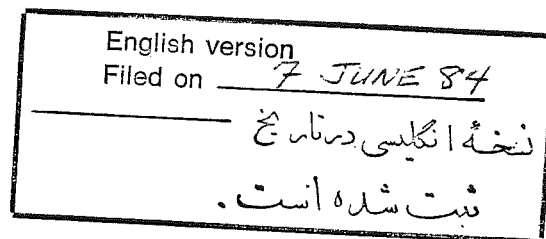
\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_  
 - Date \_\_\_\_\_  
 \_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

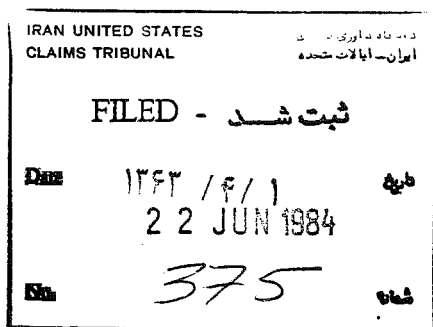


پرونده شماره ۳۷۵

شعبه یک

حکم شماره آی تی ام ۱ - ۳۷۵ - ۴۰

ITM 40-375-1



بندون - دراسی اینترنشنال ،

خواهان ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده .

قرار موقت

بندون-دراسی اینترنشنال ("خواهان") در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۲۸ دیماه ۱۳۶۰) دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") به ثبت رسانده و طالب صدور حکمی به مبلغ ۹۴۰،۷۰۵ دلار به انضمام بهره متعلقه گردید.

مبلغ مورد مطالبه مبتنی بر حکمی است که توسط داور واحدی طبق قواعد طاق بازگانی بین المللی در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۰ (۲۳ آذرماه ۱۳۵۹) به استناد قرارداد بین خواهان و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ("نیروی هوایی") بابت جبران خسارات، به نفع خواهان صادر شده است. نیروی هوایی در ۴ ژانویه ۱۹۸۴ (۱۴ دیماه ۱۳۶۲) لایحه دفاعیه‌ای به ثبت رسانده و طی آن اظهار داشته است که دیوان داوری "به منظور اجرای احکام صادره توسط دیوانهای دیگر به وجود دنیا مده است"، ولی بر اساس قرارداد داخلی بین طرفین، ادعای متقابلی را طرح و ادعا کرده است که حکم اطاق بازگانی بین المللی به دلائل مختلف "باطل و بلا اثر" بوده است.

دیوان داوری به خواهان دستور داده است که تا تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۶ تیرماه ۱۳۶۳) دفاعیه‌ای جهت ادعای متقابل و جوابیه‌ای برای نکات مطروح در لایحه دفاعیه به ثبت رسانند.

خواننده در ۴ آوریل ۱۹۸۴ (۱۵ فروردین ۱۳۶۳) عرضحالی به ثبت رسانده و ضمن آن متذکر گردید که خواهان از طریق دریافت دستور توقیف تعدادی سهام متعلق به خواننده از دادگاه منطقه‌ای فرانکفورت ام ماین در ۹ ژوئن ۱۹۸۳ (۱۹ خردادماه ۱۳۶۲) خواستار اجرای حکم اطاق بازگانی بین المللی شده است. خواننده با استناد به آنکه طبق بند ۲ ماده هفت بیانییه حل و فصل دعاوی، ادعائی که نزد دیوان ثبت شود از حیث صلاحیت هر دادگاه دیگری خارج است، از دیوان تقاضا کرده است که دستوری صادر نموده و اقدامات اجرائی مزبور را متوقف سازد.

از مضمون دستور توقیف صادره توسط دادگاه منطقه‌ای فرانکفورت ام ماین چنین بر می آید که خواهان از طریق دستور مزبور در واقع خواستار صدور قرار موقتی جهت تامین اجرای نهائی حکم صادره از طرف اطاق بازگانی بین المللی شده و آنرا تحصیل کرده است.

دیوان داوری ضمن دستور مورخ ۹ آوریل ۱۹۸۴ (۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۳) خود به خواهان دستور داد که نظراتش را در مورد عرض حال یا داشته و موضوع صلاحیت دیوان داوری جهت رسیدگی به ادعا تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۸۴ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) به ثبت رسانند. تاریخ مزبور بعداً " تا ۲۱ مه ۱۹۸۴ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) تمدید گردید. دیوان داوری طی دستور مورخ ۱۷ مه ۱۹۸۴ (۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) خود درخواست تمديد مجدد را رد کرده و متذکر شد موضوع صلاحیت که در دستور قبلی دیوان ذکر شده، بالاضافه " به صلاحیت دیوان برای تجویز اجرای حکم داوری اطلاق بازرگانی بین المللی " مربوط می شود. خواهان در نامه ای که در تاریخ ۱۶ مه ۱۹۸۴ (۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) نزد دیوان داوری به ثبت رسانده متذکر شده است :

"توقیف دارائیهائی که خواننده بدان اشاره کرده است، در واقع، امری است مربوط به قریب ده ماه پیش از تاریخ ثبت عرض حال خواننده. خواهان از هرگونه اقدام قریب الوقوعی به منظور اجرای حکم توقیف بی اطلاع بوده و خواننده هم در این باره ادعائی نکرده است."

خواهان در نامه دیگری که در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) به ثبت رساند از دیوان خواست که در دستور رد تقاضای تمديد مهلت تجدیدنظر کرده و موضوعاتی را که باید در باب صلاحیت عنوان شود روشن نماید.

\* \* \*

در مورد مقتضی، یک دیوان بین المللی، به شرط آنکه قانع شود که لا اقل حسب ظاهر دلیلی بر صلاحیت آن جهت رسیدگی به اصل ادعا موجود است، می تواند قبل از اتخاذ تصمیم درباره صلاحیت خود برای رسیدگی به ماهیت ادعا، اقدامات تأمینی موقتی صادر کند. دیوان دادگستری بین المللی در همین اواخر، یعنی در دستور مورخ ۱۰ مه ۱۹۸۴ (۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) خود در عملیات نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوآ و علیه آن کشور، (نیکاراگوآ علیه ایالات متحده آمریکا)، قرارهای موقت، گزارشهای دیوان دادگستری بین المللی، ۱۹۸۴، صفحه ۱۶۹، ۱۷۹. این ضابطه را بکاربرد. آن دیوان در پاراگراف ۲۴ دستور مزبور متذکر گردید:

"در مورد درخواست صدور قرارهای موقت، لازم نیست که دیوان قبل

از اتخاذ تصمیم درباره این قبیل قرارها ، خود را به طور نهائی در مورد داشتن صلاحیت رسیدگی به اصل ادعا ، یا ، بر حسب مورد ، نسبت به مستدل بودن ایراد به صلاحیت دیوان ، متقاعد سازد ، معذک دیوان نباید ( اخلاقاً ) به صدور اینگونه قرارها اقدام نماید ، مگر آنکه شرط مورد استناد متقاضی ، علی الظاهر مبنائی بدست دهد که بتوان صلاحیت دیوان را بر آن استوار کرد ...."

بدون آنکه نظر فعلی در تصمیم نهائی درباره این موضوع صلاحیتی تا ثیری گذارد ، دیوان داوری در حال حاضر قانع نشده است که ، علی الظاهر ، مبنائی وجود دارد که بر اساس آن دیوان بتواند برای رسیدگی به این ادعا اعمال صلاحیت نماید .

بند ۱ ماده دویانیه حل و فصل دعاوی به دیوان داوری اختیار تصمیم گیری در موارد زیر را می دهد :

" ادعای اتباع ایران علیه ایالات متحده ، و هرگونه ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد ، معامله یا پیش آمدی که موضوع ادعای آن تبعه را تشکیل دهد ، مشروط بر آنکه اینگونه ادعاها و ادعای متقابل در تاریخ این بیانییه پابرجا بوده ، اعم از اینکه در دادگاهی مطرح شده یا مطرح نشده باشد ، و ناشی از دیون ، قراردادها ( شامل معاملاتی که موضوع اعتبارات اسنادی یا ضمانتهای بانکی باشد ) ، ضبط اموال یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد ...."

ادعای حاضر در دادخواست به صور مختلف توصیف شده است ، بدینگونه که ادعا " ناشی از حکم داوری است که از طرف دادگاه داوری اطاق بازرگانی بین المللی صادر گردیده است .... " ( صفحه ۶ ) ، " ادعا بابت مبلغی است که خوانده بموجب حکم دادگاه مزبور به خواهان بدهکار است " . ( صفحه ۶ ) ، و کوشی است " برای تعقیب اجرای حکم داوری اطاق بازرگانی بین المللی ، از طریق ثبت این ادعا نزد دیوان داوری " ( صفحه ۳ ) .

اگرچه این ادعا به صورت بدهی خوانده به خواهان نیز ارائه شده است ، دیوان نمیتواند این امر را نادیده گیرد که آنچه که خواهان از دیوان می طلبد ، اجرای حکم داوری اطاق بازرگانی بین المللی از طریق حساب تضمینی است که به موجب بند ۷ بیانییه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ ( ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ ) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر تشکیل شده است .

خواهان پرونده حاضر قبل از اضاء بیانیه های الجزیره ، حکم داوری ظاهرا " معتبر و قابل اجرائی در دست داشته که توسط یک داور طبق قواعد اطلاق بازرگانی بین المللی ، که بیانیه های الجزیره تا شیری در آن نداشته ، صادر گردیده است . علاوه بر آن ، خواهان به منظور اجرای حکم از این فرصت استفاده کرده که از دادگاه یک نظام حقوقی داخلی ، حکم توقیف بدست آورد .

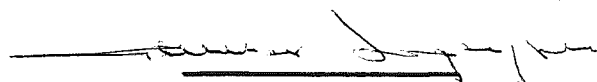
بنابراین ، تا آنجا که این شعبه اطلاع دارد ، وضعیت خواهان حاضرا سا " با وضعیت خواهانهای دیگر در دیوان داوری فرق دارد .

این تفسیر از بیانیه های الجزیره که این دیوان داوری باید در مقام یک دادگاه صادر کننده امر به اجرا (exequator) عمل کند یا اختیاری اجرای احکام داوری دیوانهای داوری مستقل دیگر را داشته باشد ، در این مرحله از جریان دعوی به نظر دیوان تفسیرنا معقولی است . این دیوان یک دادگاه داخلی نبوده و دارای وصف بین المللی ویژه ای است . این دیوان داوری مظهر هیچ مرجع عمومی داخلی نبوده و نمی تواند طبق هیچ نظام حقوقی داخلی برای این قبیل احکام اعتبار یا منزلتی را که تا بحال فاقد بوده اند ، تامین نماید .

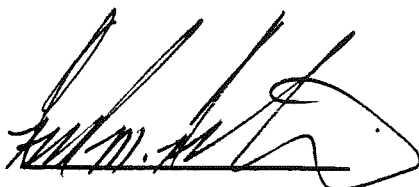
بنابه دلائل پیش گفته ،

درخواست خواننده مبنی بر صدور دستوری جهت اقدامات تأمینی موقت ، رد می شود .

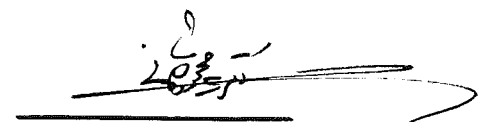
لا اله ، بتاريخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ برابر با ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۳



گونا رالاگرگرن  
رئیس شعبه یک



هوارد ام . هولتزمن  
( نظر موافق )



محمود کاشانی